

شهر سبز

پارک‌های خلاقانه برای شهرهای کوچک

نویسنده: پتر هارنیک

مترجمان

دکتر صادق صیدبیگی

مهدی رازجویان

زینب فیضی مقدم



انتشارات مؤسسه نهم

سرشناسه : هارنیک، پتر Harnik, Peter
 عنوان و نام پدیدآور : شهر سبز (پارک‌های خلاقانه برای شهرهای کوچک) // نویسنده پتر هارنیک :
 مترجمان صادق صیدیگی، مهدی رازجویان، زینب فیضی مقدم .
 مشخصات نشر : تهران : هوشمند تدبیر، ۱۳۹۸ .
 مشخصات ظاهری : ۲۳۴ ص .
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۸-۱۹۷-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : عنوان اصلی: ۲۰۱۰ Urban green : innovative parks for resurgent cities
 یادداشت : واژه‌نامه .
 یادداشت : کتابنامه .
 موضوع : پارک‌های شهری -- ایالات متحده
 موضوع : Urban parks -- United States
 موضوع : شهرسازی -- ایالات متحده
 موضوع : City planning -- United States
 موضوع : فضاها، باز -- جنبه‌های اجتماعی -- ایالات متحده
 موضوع : Open spaces -- Social aspects -- United States
 موضوع : نوسازی شهری -- ایالات متحده
 موضوع : Urban renewal -- United States
 موضوع : معماری منظر شهری -- ایالات متحده
 موضوع : Urban landscape architecture -- United States
 شناسه افزوده : فیضی مقدم، زینب، ۱۳۶۷-
 شناسه افزوده : صیدیگی، صادق، ۱۳۶۳- مترجم
 شناسه افزوده : Seyd Beigi, Sadeh
 شناسه افزوده : رازجویان، مهدی، ۱۳۵۴- مترجم
 رده بندی کنگره : SB ۴۸۲
 رده بندی دیویی : ۵۰۹۷۳/۷۱۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۹۳۹۱

نام کتاب..... شهر سبز (پارک‌های خلاقانه برای شهرهای کوچک)
 نویسنده..... پتر هارنیک
 مترجمان..... دکتر صادق صیدیگی، مهدی رازجویان و زینب فیضی مقدم
 ناشر..... انتشارات هوشمند تدبیر
 مدیر مسئول نشر..... محمد فخر
 نوبت چاپ..... اول ۱۳۹۸
 تیراژ..... ۱۰۰ نسخه
 قیمت..... ۱۲۰۰۰ ریال
 شابک..... ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۸-۱۹۷-۶

آدرس و شماره تلفن ناشر: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و خیابان ابوریحان، پلاک ۱۱۷۶، طبقه اول
 و ۰۹۱۲۳۸۶۱۲۶۷
 ۶۶۴۷۹۶۷۵ ، ۶۶۹۱۳۱۶۴
 تلفن: ۶۶۴۷۹۶۶۵

مقدمه

برای ساکنان شهرها در سراسر جهان، پارک‌های عمومی جایگاه خاص و ویژه‌ای دارند. پارک‌ها، خانه ما هستند، کشور ما را فرا می‌گیرد، امکانات ورزشی ما، سواحل ما، و طبیعت ما، همه چیز را در یک چشم به هم زدن متاثر می‌کند. پارک‌ها مکان‌هایی هستند که خانواده‌ها در هر زمینه قابل‌تصور و به هم مرتبط می‌کند، و در ایجاد حس اجتماعی که در قلب زندگی شهری است سهیم می‌کند.

پارک‌ها در تمیز نگه داشتن هوای تنفس، کاهش انتشار کربن، جذب تجارت‌ها و توریست‌ها و فراهم کردن خانه‌ای برای جشن‌ها و رویدادهای فرهنگی کمک می‌کنند. و برای بچه‌های شهری، پارک‌ها زوایای زندگی محسوب می‌گردند که در آن‌ها دنیای طبیعی زنده است.

تعداد کمی اختلاف‌نظر دارند که پارک‌ها تمام این مزایا را به همراه می‌آورند و تعداد بیشتری از ساکنان را جذب می‌کنند. ما در بسیاری از شهرها از جمله نیویورک، فضا صرف یک حق بیمه است و بنابراین سوال این است که نباید پارک‌ها و فضاهای عمومی بیشتری ایجاد کنیم، اما چگونه این کار را ایجاد کنیم. در این کتاب، پیتر هارنیک به بررسی شهرهای اطراف کشور می‌پردازد که با این چالش روبه‌رو هستند. راه‌حل‌های خلاقانه پیدا می‌کنند.

او نشان می‌دهد که چگونه فشار برابر حفظ و ترویج پارک‌های شهری کشور ما یکی از مهم‌ترین مرزهای برنامه‌ریزی شهری است، به‌طوری‌که پذیرش تغییر در نحوه تفکر ما در مورد آن چه است را تغییر می‌دهد، می‌تواند در یک شهر قرن بیستمی انجام شود.

اینجا در شهر نیویورک، جایی که زمین توسعه نیافته کباب است، ما به سخنی کار کرده‌ایم تا ۲۹,۰۰۰ هکتار زمین پارک عمومی را با احیای مناظر تاریخی، به‌هایی توجهی صنعتی توسعه دهیم. از پارک پل بروکلین جدید تا پارک رودخانه شرقی در شهر. مسیر سبز رودخانه برانکس، ما جوامع را به یکی از ارزشمندترین دارایی‌های خود متصل می‌کنیم:

در جزیره استاتن، ما شروع به تبدیل زباله قدیمی شهر به یک پارک ۲,۰۰۰ هکتاری کرده‌ایم که چیزی از آن در این پارک جذاب و دیدنی وجود ندارد. گفته می‌شود که نیویورک بیش از ۵۰۰ هکتار زمین پارک جدید را در هشت سال گذشته بزرگ‌ترین برنامه توسعه پارک از زمان ریاست جمهوری فرانکلین اضافه کرده است.

مدیریت پیشرفت کار روزولت در دهه ۱۹۳۰، هدف ما برای هر فرد نیویورکی است که در مدت ده دقیقه در یک پارک عمومی زندگی کند، اما ما می‌دانیم که گسترش زمین‌های پارک، کافی نیست. ایجاد یک شهر حقیقتاً سبز، مستلزم یافتن راه‌حل‌هایی خلاقانه برای ترویج و ایجاد برخی از مزایای پارک‌های عمومی در مکان‌های خصوصی است.

به همین دلیل است که ما سقف‌های سبز را از طریق کاهش مالیات، باغ‌های اجتماعی حمایت کردیم و زمین‌های بزی مدرسه را در طول ساعات مدرسه و آخر هفته افتتاح کردیم.

ما همچنین بابت میدلر و پروژه بازسازی نیویورک برای راه‌اندازی یک میلیون درخت میوه، که در طی ده سال آینده به یک میلیون درخت جدید نگهداری و مراقبت خواهیم کرد، همکاری کرده‌ایم. در این برنامه دو ساله، ما به خوبی برای رسیدن به اهداف کاشت خود جلوتر هستیم. همه این کارها در قلب نیویورک قرار دارد، برنامه‌ریزی بلند مدت که به ما این امکان می‌دهد تا یک نیویورک، سبزتر و بزرگ‌تر بسازیم.

دستیابی به اهداف جاه طلبانه‌اش از جمله قطع کردن انتشار کربن شهر تا ۳۰ درصد تا سال ۲۰۳۰، نه تنها نیازمند تعهد پایدار از سوی دولت شهری بلکه دو منبع ارزشمند است که هر شهر در اختیار خود دارد: فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت‌های خصوصی و عمومی.

هر ساله در شهر نیویورک بیش از ۸۰۰ گروه و ۵۵,۰۰۰ نفر برای کمک به زیباسازی و حفظ پارک‌های ما بسیج می‌کنند. برای تشویق نیویورکی‌ها به مشارکت در جوامع شان، و برای پاسخ دادن به فرجام رئیس‌جمهور اوباما برای یک دوره جدید از فعالیت‌های داوطلبانه، ما به تازگی خدمات نیویورک سیتی اسرانی کردیم.

این برنامه به ما کمک می‌کند تا داوطلبان را به مناطقی که بیش‌ترین نیاز، از جمله حفاظت از محیط‌زیست هدایت کنیم. در غیر این حال، ما استفاده از مشارکت خصوصی عمومی را برای بهبود پارک‌ها گسترش داده‌ایم.

میلیون‌ها درخت نیویورک سیتی نه تنها نمایانگر این است که چگونه از حمایت سازمان‌های خصوصی برای توسعه و حمایت از پارک‌های ما استفاده کرده‌ایم، بدون حمایت خصوصی، پارک خط بالا هرگز ایجاد نشد و خط ریلی بالا به احتمال زیاد خراب خواهد شد.

در حالی که به دنبال راه حل‌های جدید برای سبزتر شدن شهر خود هستیم، از گرفتن بهترین و هیجان‌انگیزترین ایده‌ها از شهرهای دیگر شرم نداریم و به همان اندازه از آن‌ها را در این کتاب پیدا خواهید کرد.

همان‌طور که پیتر هارنیک ماهرانه نشان می‌دهد، پارک شهری به عنوان یک زمین حاصلخیز یک تفکر جدید است چرا که برای گیاهان و درختانی که هوای ما را تمیز می‌کنند و زندگی ما را بهبود می‌بخشند. از آنجا که برخی از این ایده‌ها در ذهن شما ریشه می‌کنند، امیدوارم که با رهبران جوامع خود تلاش کنید تا به کمک نسل بعدی پارک‌های شهری بزرگ ایجاد کنید. ما با هم می‌توانیم آینده‌ای بهتر و سالم‌تر برای شهرهای خود و هر کسی که آن‌ها را خانه می‌نامد، بسازیم.

مایکل آر. شهردار بلومبرگ.

نیویورک، نیویورک

دسامبر ۲۰۰۹

۱۳	مقدمه
	بخش اول
۲۳	فصل ۱
۲۳	از شهرها و بارکها
۳۳	فصل ۲
۳۳	انواع مختلف بارکها و مصارف آنها
۳۹	فصل ۳
۳۹	آیا این هکتار، خانات است یا فاصله؟
۵۱	فصل ۴
۵۱	بارکها و رقابت آنها
۵۷	فصل ۵
۵۷	همه ی حمسایه ها برابرند
۶۳	فصل ۶
۶۳	این نیست، اما چه کسی و چرا؟
۶۹	فصل ۷
۶۹	یک فرآیند به جای استاندارد
۷۳	فصل ۸
۷۳	بایست، بین، و گوتش کن
۷۹	فصل ۹
۷۹	تجزیه و تحلیل و ولویت بندی
۸۳	فصل ۱۰
۸۳	بول و زمین را فراموش نکنید
	بخش دوم
۸۹	بید کردن فضای بارک در شهر
۸۹	فصل ۱۱
۸۹	خرید آن
۹۷	فصل ۱۲
۹۷	'استفاده'، بازسازی شهری
۱۱۳	فصل ۱۳
۱۱۳	باغ های جمعی
۱۲۱	فصل ۱۴
۱۲۱	دفن زیادهای قدیمی
۱۲۷	فصل ۱۵

۱۲۷	ذخیره ساز و انبار ذخیره سازی
۱۳۳	فصل ۱۶
۱۳۳	مسیرهای راه آهن
۱۴۱	فصل ۱۷
۱۴۱	پست بامها
۱۴۹	فصل ۱۸
۱۴۹	اشتراک گذاری محوطه های مدرسه
۱۵۷	فصل ۱۹
۱۵۷	پوشش مخازن
۱۶۱	فصل ۲۰
۱۶۱	رودخانه و جریان رود
۱۶۷	فصل ۲۱
۱۶۷	قبرستان
۱۷۵	فصل ۲۲
۱۷۵	بلوارها و بزرگراه ها
۱۸۱	فصل ۲۳
۱۸۱	اراستن بزرگراه
۱۸۹	فصل ۲۴
۱۸۹	بستن خیابان ها و جاده ها
۱۹۷	فصل ۲۵
۱۹۷	حذف بارکینگ
۲۰۷	فصل ۲۶
۲۰۷	افزودن ساعت به جای زمین
۲۱۱	ضمیمه



مقدمه

بیش از نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده در یک تجربه بزرگ در مورد شبهه جدیدی برای زندگی بر روی زمین مشغول به کار شد. با استفاده از خودرو، بزرگراه، مقدار زیادی انرژی، و مبالغ هنگفتی پول، شهرهای ما را به عنوان مناطق پرکنده، تراکم پایین شهری با توابع تفکیک شده، چندین گره، و اغلب، بدون هیچ مرکز فرماندهی، مجدداً طراحی کرده‌اند.

شهرهای جدید با استفاده از این الگوی مبتنی بر خودرو ساخته شدند؛ شهرهای قدیمی به تنهایی برای ساخت الگوی اولیه خود با تعداد بسیار زیادی خودرو طراحی و بازسازی شدند. برای مدتی این تجربه به نظر یک موفقیت رسید نه تنها باعث شد که افراد زیادی به خانه‌های جا شده وسط چمن‌ها منتقل شوند، اما همزمان با دوره تسلط جهانی، سیاسی و نظامی آمریکا، میزبان شد. اخیراً به نظر می‌رسد این آزمایش شکست خورده است.

به نظر می‌رسد که ما سیاره را از حجم عظیمی از سوخت خالی کردیم و به تغییر اتمسفر به روش‌های مخرب کمک کردیم، به زمین‌های کشاورزی و جنگل بسیار گسترده شده است، و در این فرآیند ما با اضافه‌وزن بسیار روبرو شده‌ایم.

خوشبختانه آونگ حرکت بازگشت خود را آغاز کرد است. شهرها دوباره مرکزیت خود را تأیید کنند و شهروندان دوباره قادر به تعیین این ارزش‌ها به عنوان توانایی راه رفتن و استفاده ترکیبی که برای دهه‌ها مورد تحقیر طراحان قرار گرفته بودند، سخن می‌گویند. رهبران جدیدی وجود دارند که به آن‌ها احترام می‌گذارند و حتی شهرها، شهرداری‌ها، توسعه دهندگان، کارآفرینان، فعالان محله، دانشگاهیان و غیره را دوست دارند.

حمل و نقل عمومی و توسعه پایدار به طور جدی به عنوان دیگر حرکت‌های جمعی مانند فضاهای سبز برای همه مورد توجه قرار گرفته می‌شوند. با تولید دوباره شهر، تولید دوباره پارک شهر به پایان رسیده است.

اکنون که پارک‌ها در دستور کار مردم قرار دارند، اکنون که شهرها با یکدیگر برای "بهترین سیستم پارک" و "تاج زیست پذیری" رقابت می‌کنند، اکنون که طرفداران پارک به جای آن که با آن‌ها در بیرون مبارزه کنند، به جلسات برنامه‌ریزی مهم دعوت می‌شوند، دقیقاً چه کاری باید انجام دهیم؟

نیمه اول پاسخ، که اگر آسان نیست، حداقل واضح و کاملاً مستند است: پارک‌های فعلی را تعمیر کنید. از اداره حفاظت از پارک مرکزی، فیلادلفیا سبز، پارک‌ها و مردم واشنگتن، بنیاد پارک‌های سیاتل، حفاظت از رودخانه دیترویت، و بسیاری از گروه‌های دیگر که پارک‌های که پارک‌های قدیمی را از "فقیر" به "خوب" و از "خوب" به "عالی" تبدیل می‌کنند، پیروی کنید.

نیمه دوم پاسخ این است که این کتاب چطور فضاهای طبیعی شهری و مکان‌های مردم را ایجاد می‌کند. شهرها به طور خارق‌العاده‌ای بفرنج و پیچیده هستند. همانطور که از تأثیرات ویرانگر ساخت و ساز بزرگراه یاد گرفتیم، این پیچیدگی نیاز به احترام و حتی فروتنی دارد. فضای شهری به شدت مورد اعتراض قرار گرفته است؛ هر پارک جدید بالقوه با بسیاری از موارد دیگر رقابت می‌کند که اغلب آن‌ها به وسیله تحلیل‌های سود آوری و انگیزه سود به کا گرفته می‌شوند.

پارک‌های به محله‌ها ارزش می‌بخشند، اما محله‌ها ارزش پارک‌ها را نیز افزایش می‌دهند، بنابراین برای توسعه این دو باید دست به دست هم داده شود.

این کتاب راه‌حل‌های واقع‌گرایانه بسیاری را نشان می‌دهد، استفاده مجدد از زمین‌های زیر کارخانه‌ها برای به اشتراک گذاشتن محوطه‌های مدارس، از مسیرهای متروک به منظور کاشت باغ‌های اجتماعی، از زمین‌های پارک‌های عمومی برای اجازه دادن به فعالیت‌های بیشتر در قبرستان، از زمین‌های محوطه‌های پارکینگ تا تمیز کردن جریان‌های مدفون شده، و غیره. هیچ استراتژی به تنهایی کامل نیست، و در حقیقت هر کدام مجموعه واقعیت‌های خود را دارند.

در مجموع، آن‌ها مسیری را برای ساختن شهرهای مدرن‌تر، زیباتر، اجتماعی‌تر، سرگرمی بیشتر، از لحاظ اکولوژیکی مناسب‌تر، و موفقیت بیشتر کسب کردند. این کتاب همچنین به جنبه انسانی معادله سروکار دارد.

پس از سال‌ها خرد شدن، اعتراض و حتی از دست دادن ایمان، طرفداران پارک شهر خود را در یک زمین بازی کاملاً تغییر یافته پیدا می‌کنند.

ما باید در استراتژی‌های خود تجدید نظر کنیم. آنچه را که در داشتن جایگاه در جدول دخیل است، و در برخی موارد لحن ما را تغییر می‌دهد، داشتن یک بازیکن به معنای حمایت از موقعیت‌ها با حقایق و ارقام مستند، حمایت از ورزشکاران، است که در صورت لزوم به خطر می‌افتد و در صورت لزوم مصالحه می‌کنند. این دیگر پیامی است که اکنون در حال حاضر کمتر به استانداردهای پیشنهادی و بیشتر در زمینه سیاسی و زندگی واقعی در شهر تکیه می‌شود.



این کتاب ده‌ها موفقیت مبارزه سخت را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هر کاری که برای حوزه عمومی انجام می‌شود، نیازمند رهبران و فعالان با خلاقیت، استقامت و مهارت‌های سیاسی است. بسیاری از آمریکایی‌ها داستان‌های زیادی در مورد پارک‌های ملی ما شنیده‌اند: جان ولسلی پاول، با تنها یک بازو، منجر به اکتشاف در قایق‌های چوبی از رودخانه کلورادو از طریق گرند کانیون یا جان مویر در مورد مطلع شدن دنیا به شکوه یوسمیتی؛ یا قاضی دیوان عالی ویلیام او.

داگلاس برای اولین بار با ۵ نفر از هم وطنان خود، در طول هجده ماه متوالی در طول رودخانه رها شده C&O، پیش‌تاز بود. با ۵۰۰۰۰ به منظور خنثی کردن تخریب برنامه‌ریزی شده توسط سازندگان بزرگراه یا خانواده راکفلر بسیاری از زمین‌ها را اهدا کردند تا آنها پارک ملی کوهستان اسموکی بلکه همچنین اکادیا، پارک‌های بزرگ، جنگل سرخ و پارک سی‌جزایر ویرجین را بسازند.

بسیاری از مردم متوجه نمی‌شوند که داستان‌هایی در مورد پارک‌های شهری ما وجود دارد، و این تکه‌های شگفت‌انگیز که ما در تمام روز درست شده‌اند، به خوبی یا بهتر است.

برای مثال داستان‌هایی در مورد فردرک لاولم استید، که در نیویورک پارک مرکزی را امضا کرده و ساخت آن را نیز بر عهده داشت. میلیون‌ها مادر ممکن است به بچه‌هایشان بگویند که پارک مرکزی نیویورک چیزی است که شبیه به همه ساختمان‌ها است، اما در واقع پارک ساخته شده است و به همان اندازه دیزاین طبیعی است.

در واقع با مقدار زیاد حفاری سنگ، زمین در محل حرکت، کاشت درخت، اختلاف آب و ساخت فیزیکی. این پروژه بزرگ‌ترین پروژه عمومی در تاریخ آمریکا در آن زمان بود.

بعدها، اولم استید، که به معنای واقعی، زمینه معماری منظره را ایجاد کرده بود، یک گام جلوتر رفت و زمینه اقتصاد منظره را ایجاد کرد. او اولین کسی بود که فرض کرد مالیات بر روی ارزش املاک و مستغلات تولید شده از پارک مرکزی به‌عنوان هزینه پارک خواهد بود. این یک مفهوم باور نکردنی بود، که حتی امروزه بسیاری از مردم درک یا به رسمیت نمی‌شناسند. به هر حال حق با او بود.

کمیسون جدید پارک‌های نیویورک، ده سال پس از افتتاح پارک مرکزی، گفت: در حالی که مالکیت در بخش نوزده دیگر شهر دو برابر افزایش یافته، مالکیت سه بخش در پارک مرکزی از ۲۶٫۵ میلیون دلار به بیش از ۳۱۲ میلیون دلار افزایش یافت.

در حالی که قبل از ساخت پارک، این سه بخش در هر سیزده سال یک دلار به ازای مالیات پرداخت کردند، پس از ساخت پارک، آن‌ها یک سوم کل مخارج شهر را پرداخت

کردند و با وجود این واقعیت که اجاره زمین برای پارک مرکزی ۱۰۰۰۰ عدد از کتاب‌های مالیاتی شهر را حذف کرد.

در اواخر دهه ۱۸۰۰، ادوارد بیگلو، کارگردان آثار عمومی در پیتزبورگ، یکی از قهرمانان کمتر شناخته شده بود که املاک مری را از چنگال یک توسعه دهنده مسکن نجات داد و به طور مخفیانه با قطار همان شب و همین طور کشتی بخار به لندن و مسابقه با کالسکه قبل از اینکه رقیب او بتواند یک پیشنهاد مالی بدهد و از یک ثروتمند بخواهد ۴۰۰ جریب را به او بدهد.

بیگلو به سختی یک ماه پس از آنکه مردم پیتزبورگ سهمیه اوراق قرضه ۳ میلیون دلاری خود را برای خرید زمین از او برگزید، عصبی بود. او با مهربانی موافقت کرد و امروز مالک پارک شینلی است.

در سان‌فرانسیسکو، پارک گلن گیت، یک مدیر عالی در جان مک لارن، اسکاتلندی بود که به مدت پنجاه و شش سال خدمت کرده بود و به شکایات کارگران خود در مورد نداشتن جلیقه در برابر مردم پاسخ داده بود، "هر کسی که سردش باشد به اندازه کافی کار نمی‌کند."

هنگامی که یک شرکت واگن برقی شهری شهر را مجبور به صدور مجوز عبور از پارک خود کرد، مک لارن با تلاش باغبانان در تمام شب، راه هشت پا را به طور مستقیم در مسیر برنامه ریزی شده قطار متوقف کرد و به دلیل نفرت افسانه‌ای خود از شهر با مجسمه‌های پارک، همیشه دستور کاشت درختان در مقابل هر یک از آن‌ها را می‌داد.

مک لارن که بهشت خود را از ماسه‌های نرم در حال تغییر خایق کرده بود، آنقدر محبوب بود که در سال ۱۹۱۷ از بازنشستگی اجباری معاف شد. شش و شش سال دیگر هم زندگی کرد و در سن نود و شش سالگی درگذشت. این داستان مافوق‌طبی در مورد مکان‌های تاریخی و مردم مرده نیستند.

شهردار شیکاگو، ریچارد م. دلی که زمانی توسط مطبوعات محلی به عنوان "شهردار پتوئیا" برای تلاش‌های زیباسازی مورد تمسخر قرار گرفت، شهر خود را به بوستر بزرگی تبدیل کرد که به علاوه بر بالایش و انعطاف‌پذیری برابر با حیاتی اقتصادی است.

اکنون خبرنگاران خواستار آن هستند، او از کجا فهمیده بود؟ داستان این است که دلی ایده پارک هزاره را در حال نگاه کردن به مسیر زشت راه آهن از پنجره داندانزشک خود در بالای خیابان میشیگان را درک کرده است.

او گفت: "بایاید بینیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم" و به ندرت شش کلمه کوچک چنین تاثیری بر یک شهر داشته‌است.



یا شهردار جدید پیتسبورگ تام مورفی، پسر یک کارگر فولاد و مدافع سرسخت مسیرهای پیاده رو را در نظر بگیرد. با استفاده از این تعداد از کارخانه‌های فولادی که از بین رفته بود، پیتسبورگ از تقریباً هر جایی دیگر مایل‌ها با شکوه و دور از دسترس بود. مورفی که به نظر می‌رسد شعار او این است: "اگر نمی‌توانید در کنار آن بدوید، رودخانه چیست؟"

"زمانی که در سال ۱۹۹۴ انتخاب شد قسم خورد که هیچ چیز جدیدی در کنار رودخانه ساخته نخواهد شد بدون اینکه فضا برای مردم باقی بماند. کمی بعد از آن، شرکت (PNC) از طرح‌های تماشایی برای یک مرکز فرماندهی جدید در رودخانه مونونگاهیلا پرده‌برداری کرد. همه نفس راحتی کشیدند که بانک بزرگ به طرف حومه شهر حرکت نمی‌کند. مورفی نیست."

شهردار از رئیس شهر این شرکت خواست تا ساختمان را ۵۰ متر عقب بکشد و فضا را برای یک مسیر آزاد کند. "تو باید شوخی کنی" او گفت. "این پاسخ بود، اما امروز این بانک یک مسیر و راه فرعی برای راه رفتن دارد. یک رهبر ملی در مسیرهای رفت و آمد دوچرخه‌سواری و پیاده روی در وسط روز است."

در چند مایلی رودخانه، دانشگاه پیتسبورگ و استیلرز پیتسبورگ بهترین نقطه خود را برای چهار میدان تمرین فوتبال انتخاب کردند. مشکل این بود که محل به لبه رودخانه رسیده بود.

وقتی دود رفع شد، شهردار مسیر پیشرو رودخانه را در سمت استیلرز چهار میدان تمرین فوتبال نورانی داشت که فقط ۸۰ متر طول داشتند.

پارک‌های ملی می‌توانند مناظر و تمدن‌های معرفتی کشور را محالیت و برجسته کنند، اما پارک‌های شهری جایی هستند که ما بیشتر وقت خود را در آنها می‌گذرانیم و به عنوان بچه رقابت می‌کنیم، تعطیل کردن به عنوان یک توجیه برای بحسین، آوردن خانواده‌ها، پذیرش بازدیدکنندگان، و در زمان خستگی روی نیمکت‌ها بنشینیم، یا آن‌ها می‌رویم، از طریق آن‌ها راه می‌رویم، به آن‌ها نگاه می‌کنیم، خواب آن‌ها را می‌بینیم.

و بزرگترین، از پارک یالبو در سن دیه گو به پارک جنگلی در سنت لوئیس به پارک فریمونت در فیلادلفیا، اغلب تبدیل به نمادی از شهرهایشان می‌شود، که نشانه‌های اصلی حافظه و تجربه برای ساکنان و گردشگران است. امروزه از سواحل گرفته تا سواحل آمریکا در مسیر رو به بالا حرکت می‌کنند. برخی مانند چندلر، آریزونا، در اولین چرخه رشد خود قرار دارند. بقیه، مانند آتلانتا، از سال‌های افول به عقب برمی‌گردند.

حتی شهرهایی مانند کیلوند، که در مسیر بهبودی کامل قرار ندارند، بخش‌ها و بخش‌هایی هستند که شاهد احیای مجدد و یک تصویر کلی شهری هستند که دلایل بسیاری برای امید دارند. پارک‌ها بازی کرده‌اند و نقش مهمی در این ثروت خوب بازی می‌کنند. شهرها موتورهای اقتصادی بزرگ و پیچیده هستند، اما در نهایت آن‌ها موجوداتی عاری از آزادی هستند و به خواسته‌های مردم برای محیط‌های قابل سکونت پاسخ می‌دهند.

در حالی که بشر قادر به انجام کارهای زیادی در مورد زمستان و حشیانه شهرهای دوقلو، باران سیاتل، یا گرمای آزاردهنده ققنوس نیست، مردم می‌توانند ایجاد کنند (و آن‌ها را ایجاد کرده‌اند) سیستم‌های پارک بزرگی را در آن‌ها و مکان‌های دیگر ایجاد کنند تا به کاهش اثرات و تزیین بر روی نقاط قوت کمک کنند. سایر شهرها پیوسته به یکدیگر فشار می‌آورند، از قابلیت خود فراتر می‌روند و یا از دست می‌دهند، این چالش توسط پارک‌ها به اندازه و بیش از هر چیز دیگری مورد بحث قرار می‌گیرد.

یک مشکل اصلی برای حال حاضر مدیران این است که پارک‌ها نسبتاً ساده و مستقیم به نظر می‌رسند. اما در حقیقت، خدای پیچیده هستند. مردم اغلب می‌گویند: "این علم موشک نیست، فقط یک پارک است." اما اگر فکر می‌کنید که پارک‌ها سخت هستند، باید ببینید که بزرگراه‌های دشوار چقدر دشوار هستند. به! برای موشک‌ها و بزرگراه‌ها، تو باید ریاضی خوبی داشته باشید. پارک‌ها عذره ریاضی به باغبانی، هیدرولوژی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات نیاز دارند.

اگر می‌خواهید مدرک داشته باشید، به هر بزرگراه برید و به نشانی زیر نگاه کنید: "این یک بزرگراه دسترسی محدود است بدون عابر پیاده، دوجرخه، تجهیزات مزرعه، وسایل نقلیه موتوری، چرخهای محکم و به همین ترتیب و غیره. اگر این کار با پارامترهای آن‌ها همخوانی ندارد، آن‌ها نمی‌توانند این کار را با یک پارک انجام دهند. حتی جان جاکوب شهرساز برجسته، که پارک‌های بزرگ را دوست داشت، متوجه شد که آن‌ها به چالشی را در پیش خواهند داشت.

او در مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی نوشت و گفت: پارک‌های مکان‌های ناپایدار هستند. آن‌ها تمایل دارند که با محبوبیت و عدم محبوبیت رقابت کنند، رفتار آن‌ها بسیار ساده است. آن‌ها می‌توانند ویژگی‌های بسیار خوبی از مناطق شهری، و دارایی‌های اقتصادی به محیط خود داشته باشند، اما تعداد بسیار کمی از آن‌ها وجود دارند. آن‌ها می‌توانند با گذشت سال‌ها، محبوب و با ارزش تر رشد کنند، اما به تعداد کمی این قدرت ماندن را نشان می‌دهند.